



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیم

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

The book cover features a bright sun in a blue sky with rays, positioned above a silhouette of a human head. The background transitions from a light blue at the top to a darker blue at the bottom, where a faint floral pattern is visible. The title is written in large, bold, orange Persian script, and the author's name is in a smaller green box below it.

ضرورت دین

از نظرگاه عقل

محمدرفیقا کریمی والا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ضرورت دین از نظرگاه عقل «ویژه جوانان»

نویسنده:

محمد رضا کریمی والا

ناشر چاپی:

انتشارات مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	ضرورت دین از نظرگاه عقل «ویژه جوانان»
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	برهان یکم
۹	برهان دوم
۱۰	برهان سوم
۱۲	برهان چهارم
۱۴	برهان پنجم
۱۵	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۶	فهرست کتاب‌های انتشارات مسجد مقدّس جمکران
۱۸	پی‌نوشتها
۱۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ضرورت دین از نظرگاه عقل «ویژه جوانان»

مشخصات کتاب

ضرورت دین از نظرگاه عقل «ویژه جوانان» مؤلف: محمد رضا کریمی والا نام کتاب: ضرورت دین از نظرگاه عقل مؤلف: محمد رضا کریمی والا صفحه‌آرا: امیرسعید سعیدی ویراستار: رضا دیلمی ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران تاریخ نشر: زمستان ۱۳۸۶ نوبت چاپ: اول چاپ: اسوه تیراژ: ۳۰۰۰ جلد قیمت: ۵۵۰ تومان شابک: ۲ - ۱۲۹ - ۹۷۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸ مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران تلفن و نمابر: ۷۲۵۳۳۴۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ قم - صندوق پستی: ۶۱۷ «حق چاپ مخصوص ناشر است»

مقدمه

دین به معنی آیینی الهی که مشتمل بر مجموعه‌ای از تعالیم اعتقادی، اخلاق، قوانین و مقررات است؛ در حیات بشری چه جایگاه و ضرورتی دارد؟ آیا دین برای بشر، حیاتی و جایگزین ناپذیر است؟ آیا کنار نهادن آموزه‌های دینی از عرصه‌های فردی و اجتماعی بشر، اندیشه‌ای بی‌اساس و باطل است؟ آیا می‌توان ثابت کرد، کسانی که آموزه‌های دینی را از زندگی خود منهدم کرده‌اند با مخاطرات غیر قابل جبران و تحمیل ناپذیری مواجه‌اند؟ آیا می‌توان نقش دین را در تنظیم برخی رفتارهای اخلاقی، جهت ایجاد آرامش روحی افراد و سفارش به بعضی قوانین اجتماعی محدود کرد، و مدعی شد که به هر میزان که متفکران و اندیشمندان در سایه رشد علمی و عقلی به نیازهای بشر پاسخ داده و مشکلات او را از طریق راهکارهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی حل می‌کنند، عرصه دین تنگ‌تر و محدودتر می‌شود؟ آیا می‌توان دورانی فرض کرد که به طور کلی راهکارهای دینی در زمینه‌های مختلف، متروک و شیوه‌های بشری جایگزین آن شده و انسان مستقل از هدایت‌های فرا بشری، امور خود را تدبیر کند؟! این قبیل سؤالات؛ از جمله پرسش‌های اساسی و مهمی می‌باشد که پیرامون اصل دین، خصوصاً در قرون اخیر مطرح شده است. قرونی که پیشرفت‌های قابل ملاحظه بشر در حل بسیاری از معضلات و مجهولات دیرینه‌اش در عرصه‌های علوم انسانی و طبیعی، او را مدعی، بلکه امیدوار کرده که خواهد توانست با اتکاء به ابزارهای معرفتی خود، مشکلات روحی روانی و اجتماعی خود را به نحو مطلوبی حل و به تدریج ضرورت راهکارهای آسمانی را در حیات خویش منتفی سازد. بدین سان، اثبات ضرورت آموزه‌های آسمانی برای تمام ادوار بشر، محتاج تحقیقی عالمانه است. نوشتار حاضر تکاپویی است در این راستا تا از منظر عقل و بهره‌گیری از براهین پنج گانه آن، ضرورت دین را از ابعاد مختلف به بحث گذارد و اثبات نماید که تا ابد، دین برای بشر، امری حیاتی و بی‌بدیل خواهد بود.

برهان یکم

اثبات ضرورت دین براساس فطرت حق جوی انسان در نهاد انسان میل‌ها و گرایش‌های مقدسی وجود دارد که زمینه‌ساز بسیاری از رفتارهای اختیاری انسان می‌باشند. این میل‌ها و گرایش‌ها وجه تمایز انسان از غیر انسان و شدت و ضعف هر یک، ملاک ارزیابی انسان‌ها و معیار تعالی و شایستگی افراد، در کنار معیار عقل می‌باشد. از جمله این تمایلات و گرایش‌ها عبارتند از: ۱ - میل یا گرایش به «فضیلت‌ها»؛ نظیر میل به «تعاون»، «ایثار»، «احسان و بخشش» و... که این قبیل فضایل وقتی موضوعیت می‌یابند که انسان در اجتماع و همراه با دیگران باشد. و نیز، میل به «صبر»، «راستی و صداقت»، و «عفت و پاکدامنی» و... که در حال فردی انسان نیز

موضوعیت دارند. ۲- میل یا گرایش به «زیبایی‌ها»؛ انسان فطرتاً زیبا دوست و هم زیبا آفریده شده است و از آلودگی‌ها و زشتی‌ها بیزار، و از مناظر زیبای طبیعت لذت می‌برد. ۳- میل یا گرایش به «خلاصیت و نوآوری»؛ براساس این گرایش؛ انسان فطرتاً از امور نو و بی‌بدیل استقبال می‌کند و مایل است کاری بی‌سابقه و سرآمد انجام دهد. ۴- میل یا گرایش به «پرستش»؛ انسان فطرتاً به موجودی که در فضائل و زیبایی‌ها سرآمد است، حُب و علاقه دارد. اگر این حُب و علاقه با پی بردن به عمق کمالات چنین موجودی فزونی یابد، انسان به او عشق خواهد ورزید و نتیجه این عشق، تمایل درونی انسان به پرستش خواهد بود. و از این روست که پرستش حقیقی، وقتی است که عاشقانه باشد. ۵- میل یا گرایش به «حقیقت»؛ از مؤثرترین گرایش‌های مقدّس در نهاد انسان، گرایش به حقیقت یا حسّ کاوش و حقیقت‌جویی است. این حسّ که از اوّل کودکی فعلیت یافته و کودک را به پرس و جو از رویدادها و حقایق پیرامون سوق می‌دهد؛ مثل همه گرایش‌های دیگر، بسته به این که چه میزان انسان به آن توجه کرده و آن را پرورش داده باشد، «شدّت و ضعف» خواهد داشت. این گرایش در غالب متفکران و دانشمندان، ظهوری بسیار مؤثر، فعّال و نیرومند دارد و حتّی تا واپسین لحظات، آنان را به تکاپوی فهم حقایق بر می‌انگیزاند. برهان نخست بر ضرورت دین، متمرکز بر بحث، پیرامون فعالیت‌های این گرایش است. توضیح برهان: از مهمّ‌ترین مسائلی که «گرایش به حقیقت» همواره، اندیشه انسان حقیقت‌طلب را - به عنوان مهمّ‌ترین دغدغه فکری - با آنها درگیر کرده و برای یافتن پاسخی مناسب او را به تلاش و کنکاش عالمانه وامی‌دارد؛ پیرامون حقایق چهارگانه می‌باشد: ۱- حقیقت انسان؟ گرایش به حقیقت این پرسش را مقابل هر انسانی طرح می‌کند که آیا حقیقت او همین وجود جسمانی و ظاهری است؟ اگر حقیقت انسان جسم او باشد می‌بایست هر انسانی در طول عمر خویش، نه یک فرد بلکه افراد گوناگون باشد؛ زیرا وجود جسمانی دائم در حال تغییر و دگرگونی است و هر از چند گاهی به طور کلی نو می‌شود. به عنوان مثال اندام جسمانی کسی که در سنّ بیست سالگی است، همان اندام جسمانی او در ده سال قبل نیست و در دوران‌های بعد نیز جسم او بارها تجدید خواهد شد. در واقع وجودهای جسمانی قالب‌هایی هستند که به تدریج جایگزین یکدیگر می‌شوند. بدین رو نمی‌توان حقیقت انسان را در وجود جسمانی او جست و جو کرد. پس حقیقت انسان چیست؟ اهمّیت این شناخت آنگاه بیشتر رخ می‌نماید که هدف از فهم حقیقت انسان پی بردن به عوامل و زمینه‌های رشد و تعالی او باشد. مسلماً این عوامل و زمینه‌ها، بی‌آنکه حقیقت انسان معلوم شود؛ قابل شناسایی نخواهند بود و همان گونه که اگر حقیقت یک گیاه شناخته نشود زمینه‌های رشد و باروری آن فهمیده نمی‌شود و ممکن است در جایی که مناسب با رشد آن نیست غرس و در نتیجه پژمرده و خراب شود؛ حقیقت انسان نیز به عنوان حقیقتی واقعی، از آن رو که در هر زمینه‌ای قابل رشد و تعالی نیست؛ ضروری است شناخته شود تا زمینه‌ها و عوامل رشد و تعالی آن به درستی فراهم شود. ۲- حقیقت مبدأ انسان؟ انسان به طور مسلّم می‌داند که هستی پر رمز و راز او از عدم نیامده است، زیرا عدم، یعنی نیستی و از نیستی، هرگز هستی پدیدار نمی‌شود. پس مبدأ انسان باید «امری وجودی» باشد و این امر وجودی به طور حتم، طبیعت‌لاشعور نخواهد بود. چون نظم و هماهنگی بسیار ژرف و پیچیده‌ای که در وجود انسان می‌باشد، نشانه آگاهی و شعور بسیار بالای سازنده اوست که با چنین علم کاملی انسان را آفریده و برای او هدفی عالمانه و دقیق در نظر گرفته است. گرایش به حقیقت، هر انسانی را به تلاش برای یافتن مبدأ و آشنایی با خالق، به تکاپو و حرکت در می‌آورد و در درون او برای شناخت شیوه درست ارتباط با خالق و سپاس از نعمت‌هایش، انگیزه‌ای نیرومند ایجاد می‌نماید. ۳- حقیقت وظایف انسان؟ حسّ حقیقت‌جویی انسان می‌پرسد: آیا وظایف انسان، منحصر در اعمالی چون خوردن و خوابیدن و ارضاء غرائض و شهوات است؟! همان اعمالی که برخی حیوانات آن را بهتر و کامل‌تر انجام می‌دهند؟ در این صورت انسان باید خود را از جمله حیوانات و یا حتّی پست‌تر از آنها بداند و حال آنکه به طور قطع، انسان خود را موجودی شریف‌تر و در رتبه‌ای بالاتر از حیوانات می‌داند. گاه نهاد حقیقت‌طلب انسان می‌پرسد: آیا آدمی آفریده شده است تا به سان رُباتی پیشرفته، همواره مشغول انجام یکسری کارهای تکراری و گذرا شود و با کهولت سنّ و از دست دادن قوای جسمانی، از رده خارج شده و بازنشسته شود؟ آیا انسان می‌تواند خود

را همانند ماشین فرض کند و شبانه روز در صدد اجرای برنامه‌های دیگته شده و تکراری خود باشد؟! هرگز انسان نمی‌تواند کارایی و وظایف خود را منحصر در اموری بداند که دیگر موجودات آن را در برخی موارد، دقیق‌تر از انسان انجام می‌دهند. هرگز انسان خود را ماشین وار تصور نمی‌کند و تردیدی ندارد که کارایی حقیقی و وظایف او، اموری بسیار والا و شریف است. گرایش به حقیقت جویی، این انگیزه را به طور جدی در انسان بوجود می‌آورد که چستی وظایف و کارایی انسان را کشف نماید و بفهمد که برای پیمودن کدام مسیر و رسیدن به کدام هدف، آفریده شده است؟ ۴- حقیقت فرجام انسان؟ آیا هدف از خلقت و مسیر زندگی انسان، مردن و پوسیدن و خاک شدن است؟ انسان می‌داند جسمی که زیر خاک مدفون می‌شود، قالبی است که نظیر آن، بارها در طول عمر عوض شده است، و در نهایت با آخرین قالب، چند صباحی مأنوس بوده و با مرگ، آن را ترک خواهد. پس انسان با مردن، نابود نمی‌شود و آنچه دفن می‌شود و بعد از مدتی، پوسیده و متلاشی می‌شود حقیقت انسان نیست. در واقع انسان پس از فرارسیدن مرگ، وارد مرحله و جایگاهی متفاوت با دنیا می‌شود. و در آن جایگاه جدید، مسیر زندگی خود را طی خواهد نمود. وجود چنین مرحله‌ای است که یکی دیگر از مجهولات و سؤالات اساسی انسان را ظاهر می‌سازد و آن پی بردن به حقیقت جایگاه ابدی است که دیر یا زود مسافر آن خواهد بود. فهم حقایق چهارگانه فوق از دغدغه‌های اساسی هرانسانی بوده و از دیرباز، فطرت حقیقت جوی انسان، اندیشه بشر را در تکاپوی پاسخی صحیح به این سؤالات برانگیخته است. اما پاسخ‌های ناشی از فهم محدود انسان، پیرامون چنین سؤالات مهمی نتوانسته به تنهایی فطرت حق جوی او را قانع کند و اتکاء به این فهم محدود، گاه او را به گمراهی‌های اسف باری نیز دچار ساخته است. از این رو، عقل حکم می‌کند به ضرورت یادگیری تعلیمات فرا بشری، در قالب مجموعه‌ای که از دخالت‌های ذهنی انسان به دور باشد و آن مجموعه بارزش، دین نام دارد، این تعلیمات باید از سوی وجودی با دانش مطلق و به دور از هرگونه نقص و خطا باشد تا انسان را در یافتن این حقایق، دستگیری و حیات او را معنادار و هدفمند نماید. شبهه‌ای بر صحت برهان: ممکن است اشکال و سؤالی مطرح شود که در عصر کنونی، برخی از مردم، بدون احساس نیاز به پاسخی صحیح و عالمانه به این پرسش‌ها و بی‌آنکه خود را درگیر کشف چنین حقایقی کنند؛ زندگی راحت و بی‌دغدغه‌ای دارند. لذا چگونه می‌توان، ادعای وجود انگیزه‌ای درونی در وجود هرانسانی برای یافتن پاسخی قانع کننده به این پرسش‌ها نمود؟ پاسخ آنکه؛ در ابتدای برهان گفتیم؛ در نهاد انسان، گرایش‌هایی است که وجود آن‌ها نه تنها نشانه تمایز انسان از غیر انسان می‌شود بلکه شدت و ضعف این خواسته‌ها و تأثیر آنها بر رفتار آدمی، ملاک سنجش برتری و شایستگی افراد می‌باشد. بی‌تردید کسی که به خواسته‌ها و گرایش‌های مقدس فطرت خویش، پاسخ مثبت داده و درصدد تقویت و توانمند ساختن این گرایش‌هاست، رفتارهایی ارزشمند و ستوده خواهد داشت و متقابلاً کسی که نسبت به این گرایش‌ها بی‌اعتنا بوده و به آنها پاسخ منفی داده است، رفتارهایی خالی از ارزش و شایستگی خواهد داشت، هر چند که زندگی به ظاهر خوش و با لذتی هم داشته باشد. بنابراین، تأثیر گرایش‌های مقدس در رفتارهای آدمی، بستگی به میزان توجه انسان به این خواسته‌ها و گرایش‌ها، دارد چه بسا ممکن است کسی در اثر بی‌توجهی‌های مکرر به این گرایش‌ها، نه تنها موجب تضعیف بلکه زمینه خاموشی و بی‌اثر شدن آنها را فراهم نماید و تمایلی در وجود خود از گرایش‌های مقدس احساس نکند. چنین انسانی در واقع، حقیقت گوهرینی را در وجود خود از دست داده است در حالی که می‌توانست با حفظ آن، شایستگی‌ها و برتری‌ها را برای خویش پدیدار سازد. بر این اساس، قبول داریم که برخی بدون کمترین مشغله فکری و احساس نیاز به بیانی صحیح و عالمانه در مورد حقایق چهارگانه؛ زندگی راحت و بی‌دغدغه‌ای دارند، و با محدود کردن وظایف خود در خور و خواب و خشم و شهوت، نظیر دیگر جانداران، چند صباحی را با شادی و لذت سپری می‌کنند و در واقع چنین اشخاصی فقط شبیه انسان می‌باشند، امام علی علیه السلام درباره این گونه از انسانها فرمودند: «الصُّورَةُ صُورَةُ انْسانٍ وَالْقَلْبُ قَلْبُ حیوانٍ، لَا یَعْرِفُ بَابَ الْهُدَى فَيَتَّبِعُهُ وَلَا بَابَ الْعَمَى فَيُصَدِّعُهُ وَ ذَلِكَ مِثُّ الْأَحْیَاءِ» (۱) صورتش به صورت انسان می‌ماند، اما در سینه‌اش قلب حیوانی می‌تپد. نه راه هدایت می‌شناسد تا پیروی کند و نه راه خطا و باطل را می‌داند که از آن پرهیزد، در

حقیقت او مرده‌ای است در میان زندگان. انسان مورد بحث در این برهان، چنین افرادی نیست. سخن در این برهان در مورد آنهاست که میل به حقیقت را در وجود خویش از بین نبرده، بلکه خود را موجودی اندیشمند می‌دانند که هر لحظه در برابر انواع خواهش‌های درونی و مطالبات بیرونی، تلاش می‌کنند بهترین و درست‌ترین را انتخاب کنند و می‌کوشند با یافتن حقایق، درست‌ترین معیارها را در موضع‌گیری‌ها و انتخاب‌های خود اعمال نمایند. در وجود چنین انسان‌هایی، گرایش به حقیقت خاموش نیست و دائم آنان را در تکاپوی کشف حقایق بر می‌انگیزاند و تا یافتن پاسخی قانع کننده، آرام و قرار نمی‌گیرد.

برهان دوم

اثبات ضرورت دین بر مبنای میل به جاودانگی در انسان اثبات «ضرورت دین» در این برهان بر اساس توجه به دو ویژگی عمده انسان است؛ این دو ویژگی عبارتند از: ۱- فرار از نیستی‌ها و حجب بقا؛ اگر کسی که در جاده‌ای خاص در حال رانندگی است مطلع شود که این مسیر نه تنها او را به هدف نمی‌رساند بلکه او را با خطرات جبران‌ناپذیری مواجه خواهد کرد، بی تردید، تمایلی برای ادامه مسیر نخواهد داشت. همچنین اگر دانش آموزی با خبر شود که مدرسه تعطیل است و خبری از کلاس و درس نیست؛ بی‌گمان انگیزه‌ای برای رفتن به مدرسه در او نخواهد بود. در واقع آنچه در انسان، انگیزه حرکت ایجاد می‌کند و در تحمّل سختی‌های مسیر او را استوار می‌دارد، هستی‌ها و بودن‌هاست. بنابراین انسان در هر کاری، طالب هدفی است که بهره‌ای از «هستی» دارد. و به عبارتی دیگر انسان ذاتاً از «نیستی»‌ها گریزان است و با تمام توان می‌کوشد که همیشه با هستی‌ها همراه باشد. به همین خاطر اگر کسی دائم خود را از رسیدن به هستی‌ها ناتوان و درمانده یابد و زندگی خود را سراسر ناکامی و از دست دادن بداند، سرانجام از زندگی خویش خسته و مأیوس می‌شود و ممکن است تصمیم بگیرد که به زندگی پر از نیستی خود پایان دهد به این خیال که بتواند خود را از محاصره «نیستی‌ها» و ناکامی‌ها نجات دهد. در واقع چنین انسانی نمی‌خواهد خود را نیست و نابود کند؛ بلکه به خیال خود می‌خواهد خود را از «نیستی»‌ها نجات دهد. پس انسان از نیستی‌ها گریزان است، خصوصاً از نیستی عزیزترین هستی خود. ۲- دلبستگی انسان به شایسته‌ترین هدف؛ روشن شد که انسان طالب «هستی» است و از «نیستی» گریزان است. اما ویژگی دومی نیز در نهاد انسان است که او را از حرکت به سمت هر نوع «هستی» باز می‌دارد. این ویژگی انسان را وادار می‌کند که در صدد شناخت و رسیدن به هدفی باشد که از هدف‌های دیگر شایسته‌تر بوده و ارزش تحمّل زحمات و سختی‌های مسیر را داشته باشد. بر این اساس، انسان اقدام به سنجش و ارزیابی اهداف کرده و بعد از تحقیق و پرس و جو، هدفی خاص را بر می‌گزیند و سعی می‌کند با دلایل و توجیهات گوناگون، تلاش‌ها و سختی‌های رسیدن به هدف انتخابی خود را منطقی و عقلانی جلوه دهد و در وجود خویش، انگیزه و علاقه لازم برای حرکت به سوی آن را ایجاد کند. بر اساس این دو ویژگی مهم، یعنی فرار از نیستی‌ها و طلب هدفی شایسته که امید به آن، تحمّل سختی‌ها و مرارت‌ها را سهل و گوار نماید، انسان نه تنها «نیستی» گریز و «هستی» گراست؛ بلکه هر هستی را نیز شایسته انتخاب و گزینش نمی‌داند، چرا که هر نوع هستی، ارزش تحمّل موانع و مشکلات فرا ریش را ندارد. حال، آیا انسان با این دو ویژگی مهم که در دلبستگی‌ها و امیدهای او تأثیرگذار و نقش آفرین‌اند؛ می‌تواند در محدوده این دنیا، دل بسته و امیدوار «هستی‌ای» باشد که از ارزش واقعی برخوردار بوده و برای او در تحمّل سختی‌ها و مرارت‌ها، اراده‌ای محکم و پایدار ایجاد کند؟! انسان به کدامین هستی ناپایدار دنیا می‌تواند دل ببندد؟ مگر دنیا با هر آنچه که دارد فانی و گذرا نمی‌باشد؟ آیا انسان واقع‌نگر، با تمام وجود، دلبسته جاه و جبروت و شهرت دنیایی می‌شود و آنگاه با تمام توان برای فتح سعی و تلاش می‌کند؟ آنان که با گذاردن مشکلات و تحمّل سختی‌ها، توانسته‌اند به هستی‌های دنیوی برسند چه تضمینی دارند که دوران مشکلات و نگرانی‌هایشان، همگی سرآمده است و با خیال راحت می‌توانند مدّعی شوند که به خواسته دل رسیده‌اند؟! تردیدی نیست که دنیا با هر درجه و مقامش بی‌دغدغه و راحت در اختیار کسی نیست و آرامش چند روزه‌اش با انواع اضطراب‌ها و نگرانی‌ها در آمیخته است. تردیدی نیست که

دنیا، انسانِ دل‌بسته خود را در حسرت آسایش و آرامش واقعی، وامی‌گذارد و پس از مرگ در اوج تنهایی و غربت در بین خاک‌های گران، نیست می‌گرداند. پس هرگز دنیا پاسخی برای انسانی که خواسته درونی وی رسیدن به هستی‌ها و دل‌بستگی‌های پایدار و ابدی است، ندارد. دنیا نمی‌تواند دلخوشی حقیقی برای انسان به ارمغان آورد تا تحمّل مرارت‌ها و سختی‌های آن ارزش واقعی و ذاتی پیدا کند و از سوی دیگر نمی‌تواند پاسخی مناسب به حبّ بقاء آدمی داشته و هستی او را به طور دائمی تضمین نماید. از این رو هرگز انسان واقع‌نگر خود را محدود به این دنیا نمی‌داند. از منظر انسان واقع‌نگر در پس این دنیا، به طور حتم، وادی دیگری در انتظار است که از یک سو، ظرف مناسبی برای پاسخ به میل بقاء او می‌باشد، یعنی «ابدی و جاودانه» است و از سوی دیگر در بردارنده پاداش‌های ارزنده‌ای است که در خور تلاش‌های انسان بوده و می‌تواند آرامش حقیقی را برای او به وجود آورد. انسان، بر اساس چنین باوری، می‌داند که دنیا جایگاهی موقت و دالان عبور است و او حقیقتاً برای وادی دیگری است. لذا با تمام وجود می‌خواهد که آن وادی را بشناسد، با شرایط و ویژگی‌های آن آشنا شود و بداند که برای دست‌یابی به آرامش‌های واقعی و پایدار آن چه باید کرد تا با انگیزه‌ای پایدار و شوقی مضاعف، فعالیت‌های خویش را به امید دستیابی به اهدافی ارزشمند و شایسته، سامان دهد. اهمیت کسب این آگاهی آن‌گاه بیشتر رخ می‌نماید که انسان آن وادی را بر خلاف دنیا فنا ناپذیر و ابدی بداند. اما آیا انسان می‌تواند با اتکاء به فهم و عقل محدود خویش از چگونگی حیات ابدی مطلع شود؟! کدامین دانش پیشرفته می‌تواند به مجهولات و سؤالات انسان در مورد آن جهان پاسخی صحیح و قانع‌کننده دهد و گویای چگونگی تأثیر اعمال دنیوی در آن عالم جاودانه باشد؟! بنابراین، لازم است، خداوند حکیم که آگاه به این نیاز اساسی انسان است از طریقی مطمئن وی را از حقیقت حیات ابدی و چگونگی تأثیر اعمال دنیوی در آن عالم مطلع سازد و با ارسال مجموعه‌ای از معارف (دین) انسان را برای رسیدن به سعادت پایدار راهنمایی کند. بدین ترتیب می‌توانیم به ضرورت «دین» که مشتمل بر چنین معارفی است واقف شویم.

برهان سوم

اثبات ضرورت دین بر مبنای نیاز انسان به زندگی اجتماعی مطلوب انسان موجودی است اجتماعی و در این ویژگی با حیوانات اجتماعی زیست، مشترک است، با این تفاوت که حیوانات اجتماعی زیست مصالح اجتماعی خود را به طور غریزی تشخیص می‌دهند و از روی غریزه به آن مصالح به طور کامل عمل می‌کنند، ولی انسان نه تنها از روی غریزه از مصالح اجتماعی خویش آگاه نیست بلکه به طور غریزی نیز تمایلی برای اجرای قوانین اجتماعی ندارد. افزون بر این حالت، انسان دارای دو ویژگی حبّ ذات و استخدام طلبی است، یعنی قبل از هر چیز به ذات خویش و منافع آن توجه دارد و طالب است موجودات پیرامون را به نفع خود به خدمت گرفته و از آنها بهره برد. این دو ویژگی موجب می‌شود که گرایش نخستین و اولی انسان، تأمین منافع فردی و مقدم نمودن آنها بر مصالح جمعی باشد. بنابراین انسان، نه تنها در تشخیص مصالح اجتماعی از هر گونه آگاهی غریزی بی‌بهره است و به طور غریزی مطیع هیچ قانون اجتماعی نیست، بلکه اگر هم با اتکاء به فهم و اندیشه محدود خویش و با استناد به تجارب گذشته‌اش قوانینی را برای سامان دادن به زندگی اجتماعی خود تدوین نماید به جهت دو ویژگی حبّ ذات و استخدام طلبی، تضمینی در عمل نمودن به قوانین و مصالح اجتماعی که خود تدوین کرده نخواهد داشت و به طور طبیعی در مواقع تراحم مصالح فردی با مصلحت‌های اجتماعی، آنچه در ابتداء مطلوبش واقع خواهد شد، منافع و مصالح فردی بوده و آنها را بر مصالح جمعی مقدم خواهد دانست. بدین ترتیب، انسان برای سامان دادن به حیات اجتماعی مطلوب، هم در تشخیص قانونی کارآمد و همچنین در اجرای چنین قانونی، مواجه با نقص و موانع شده و برای سامان دادن به زندگی اجتماعی مطلوب، لازم می‌داند که عاملی بیرونی او را مدد نماید. به حکم عقل، این عامل بیرونی باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد، ۱- شناخت کامل انسان. ۲- تشخیص نحوه صحیح روابط انسان با دیگر موجودات و تأثیر این روابط در حیات اجتماعی او. ۳- عدم لحاظ کمترین منافع فردی در تدوین قوانین. ۴- اطلاع

از حوادث آینده - دور یا نزدیک - تا قوانین به طور کامل تدوین یافته و انسان در برابر حوادث آینده آماده و مهیا گردد. ۵ - توانایی ایجاد ضمانت اجرائی نیرومند. ویژگی پنجم در صورتی حاصل و نتیجه‌ای مطلوب خواهد داشت که قانون گذار دارای علم کامل و مطلق باشد. زیرا همان طوری که اگر انسان مبتلا به بیماری صعب‌العلاج بعد از تحمّل درمان‌های سخت و طاقت فرسا معالجه شود با اینکه دانش پزشک را خطا پذیر می‌داند و یقین به صحیح بودن دستورات او ندارد؛ اما چون علم او را سرآمد تشخیص داده است به دستورات او اهمیت زیادی قائل می‌شود و بدون آنکه ناظری بر رفتارها و عملکرد خود داشته باشد؛ برای حفظ سلامتی خویش، دستورات پزشک را مو به مو اجرا می‌کند؛ در مورد حیات اجتماعی نیز عاملی که انسان نحوه صحیح اجتماعی زیستن را یادآور می‌شود و دستوراتی در این راستا بیان می‌کند، اگر علمی کامل و بی‌عیب و خطا داشته باشد، خواهد توانست در افراد انگیزه‌ای قوی برای اجرای مصالح و قوانین اجتماعی ایجاد نماید. زیرا وقتی انسان برای بهبود اوضاع مزاجی و سلامت جسمانی خود، این گونه در برابر فرامین کسی که علم او را سرآمد دیگران می‌داند مطیع است؛ بی‌تردید برای سلامتی و بهبود اوضاع زندگی اجتماعی خود، در اطاعت از دستورات کسی که دارای «علم مطلق» است، انگیزه‌ای بسیار قوی خواهد داشت. لذا شرط پنجم برای عامل بیرونی در یاری انسان برای سامان دادن به زندگی اجتماعی مطلوب، داشتن علم مطلق است. حال پرسش اصلی این است که آیا مجموع شرایط پنجگانه فوق، برای آحاد بشر قابل تحصیل است؟! آیا آحاد بشر، از ابتدای خلقت تا انتهای آفرینش‌یاری درک این معارف و تحصیل چنین علوم فراگیر و نیز تربیت افرادی با انگیزه‌ای درونی برای اطاعت از فرامین و مصالح اجتماعی را خواهند داشت؟! به فرض که قائل شویم، بشر در نهایت، بعد از تکرار خطاها و پشت سر گذاشتن تجارب ناموفق و نتیجه‌گیری‌های ناصحیح؛ بتواند به یکسری معلومات نسبتاً فراگیر و همه‌جانبه دست یابد؛ سؤال آن است که چه میزان از نسل بشر، برای کسب تجربه و پیاده کردن آزمون‌های ناموفق، باید قربانی شوند و در واقع کدام گروه، از انسان‌های عاقل و واقع‌بین، حاضرند که خود را داوطلب این گردونه چند هزار ساله آزمون و خطای قانون نویسان خطاگر بشری نمایند؟ واقعیت این است که هرگز جوامع انسانی به دانشی جامع و همه‌جانبه که احاطه کامل بر این معلومات را داشته باشد نخواهند رسید و به همین جهت، معمولاً افراد به راحتی حاضر نمی‌شوند منافع فردی خویش را به خاطر قوانینی که صرفاً برخاسته از تدوین بشری است، به مخاطره افکنند بلکه تنها به خاطر نظارت‌ها و کنترل‌های شدید اجتماعی و در نهایت برای حفظ منافع فردی است که افراد حاضر به اطاعت می‌شوند. بدین ترتیب معلوم می‌شود که فقط، هستی بخش عالم را شایسته است که بر اساس «علم مطلق» خویش، اقدام به وضع قوانینی کارآمد و مطلوب برای حیات اجتماعی بشر نموده و انگیزه‌ای تزلزل‌ناپذیر و پایدار جهت اجرای این قوانین، در وجود انسان ایجاد نماید. همان خالق که از یک سو؛ بر اسرار هستی انسان احاطه کامل دارد، بر مصلحت انسان در چگونگی روابطش با موجودات پیرامون او اشراف دارد، و بی‌نیازی مطلق‌اش، او را از تأمین منافع فردی مصون نموده و فرامینش را صرفاً در راستای تأمین منافع انسان قرار می‌دهد. همو که احاطه کاملش بر پیشامدها و حوادث آینده، قوانینش را بی‌نیاز از بازنگری و اصلاح می‌نماید. و از سوی دیگر؛ به خاطر علم مطلق و آگاهی بی‌نهایت‌اش می‌تواند انگیزه‌ای قوی در انسان ایجاد و او را مقتید به قوانین و فرامین خویش نماید، هم اینطور که می‌تواند با بیان نتایج درخشان عمل به این قوانین و صدمات سرپیچی از آنها، انگیزه انسان را در مقام عمل بسیار قوی‌تر نماید. آری به حکم عقل، ضروری است که از ناحیه خداوند علیم و قدیر که جز او کسی شایسته دستگیری انسان نیست؛ مجموعه‌ای از قوانین، جهت سامان یافتن حیات اجتماعی بشر، تدوین یابد. و از طریق انسان‌هایی که با تربیت‌های خاص الهی به کمال انسانی رسیده‌اند، برای جوامع بشری ارزانی شود، و همان انسان‌های برجسته، عهده‌دار اجرای احکام الهی شوند. شایان توجه آن که مجموعه قوانینی که از سوی خداوند متعال خصوصاً برای سامان دادن به زندگی اجتماعی مطلوب، ارزانی می‌شود ضروری است که کلی و در صدد ارائه چارچوب‌ها بوده باشد، زیرا لازمه بیان تمام قوانین جزئی که به تدریج و در طول تاریخ، زمینه‌نیاز و اجراء آنها پیدا می‌شود نه تنها تدوین میلیون‌ها جلد منابع احکام و قوانین بوده و برای اعصاری که هنوز این

حوادث به وقوع نپیوسته است، امری لغو و بیهوده به شمار خواهد آمد؛ بلکه چنین امری به معنای تعطیلی عقل بشری و متروک شدن این توان ارزنده الهی خواهد بود. از این رو به طور یقین، قوانین الهی، در راستای تبیین چارچوب‌ها، اصول و خط مشی‌های کلی می‌باشند؛ تا انسان‌ها با اتکاء به آن اصول، احکام و قوانین لازم را در پیش آمدها و شرایط مختلف به نحو صحیحی استنباط و استخراج نمایند. و از آنجا که انسان‌های عادی در ایفای چنین رسالت خطیری ممکن است دچار خطا شوند، وجود انسان‌های کاملی که خود متصل به منبع علم الهی بوده و مصون از لغزش می‌باشند، به عنوان نهایی ترین مرجع، برای رفع اختلافات در تطبیق اصول کلی الهی بر حوادث و پیش آمدها، لازم و ضروری می‌باشد. این افراد مسلماً انبیاء الهی و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند. ائمه معصومین علیهم السلام خود در بیان رسالت خویش در این رابطه می‌فرمودند: «إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُنْقِلِيَ إِلَيْكُمْ الْأُصُولَ وَعَلَيْكُمْ أَنْ تُفَرِّغُوا» (۲) وظیفه ما بیان اصول و کلیات است و برعهده شماست که با تکیه به این اصول، فروع و جزئیات را در موارد خاص بدست آورید.

برهان چهارم

اثبات ضرورت دین براساس توجه انسان به هدف غایی و لزوم دستیابی به آن از ویژگی‌های اساسی انسان عبارتند از: الف) ویژگی ادراک یا شناخت بر اساس این ویژگی انسان به دو نوع آگاهی دست می‌یابد؛ ۱- آگاهی از هستی ها. ۲- آگاهی از بایدها و نبایدها ها. ب) ویژگی میل یا گرایش انسان دارای دو دسته امیال و گرایش است: ۱- امیالی که مشترک با حیوانات است و امیال غریزی خوانده می‌شوند. ۲- امیال مختص به انسان که امیال فطری نامیده می‌شوند. چگونگی فعالیت و ویژگی‌های شناخت و گرایش در وجود انسان بدین ترتیب است که انسان براساس ویژگی نخست و با تکیه بر بدیهیات و امور یقینی خود، به یکسری معلومات به نحو کلی پی می‌برد؛ نظیر اینکه می‌فهمد زندگی آبرومندانه برای او مطلوب هست، یا انسان‌های عاقل خود را از خطرات حفظ می‌کنند، یا سپاس گذاری از کسی که به او نیکی کرده نشانه فضیلت انسانی است. بدین ترتیب انسان با داشتن ویژگی شناخت به برخی حقایق به نحو کلی دست می‌یابد، اما نمی‌تواند مصداق آن امور کلی را به نحو دقیق و غیرقابل تردید، تعیین کند لذا تلاش می‌کند با تحقیق و پرس و جو به مصادیق آن کلیات پی برد. به عنوان مثال اگر ما به مهمانی در شهری دور از محل زندگی خود دعوت شویم، عقل درک می‌کند که آداب و رسوم آنجا را باید مراعات و به نحو مطلوبی از میزبان سپاسگزاری کنیم، اما مصداق آداب معاشرت در فرهنگ این شهر چیست و اینکه چگونه می‌توان سپاسگزار میزبان شد؟ تردید داریم و نمی‌توانیم با اتکا به فهم خود تشخیص دهیم. بنابراین باید از دیگران پرسیم که آداب و رسوم این شهر چیست و چگونه از همدیگر سپاسگزاری می‌کنند. مثال دیگر؛ دانش آموزی بعد از سپری کردن دوره دبیرستان به فکر آینده است و در این اندیشه که زندگی راحت و آبرومندانه‌ای داشته و برای جامعه سودمند باشد؛ در واقع او می‌فهمد که چنین هدفی مطلوب اوست اما نمی‌تواند فقط با تکیه بر استدلال‌های ذهنی خود مسیر، خاصی را تعیین کرده و آن را رمز موفقیت و پیروزی بداند لذا باید از دیگران کسب اطلاعات کند و در تعیین مصداق از تجربیات دیگران بهره‌مند شود. بنابراین یکی از مشکلات عمده انسان، تشخیص درست مصداق‌هاست و بدین منظور لازم است از اطلاعات و منابعی که بتواند او را به نحو شایسته‌ای راهنمایی کنند، استفاده کند؛ و در این کار باید دقت کند که هرگونه سهل‌انگاری و اعتماد بر اطلاعات سطحی و نادرست ممکن است انسان را دچار خطا کرده و به کاری مخاطره‌آمیز یا لااقل بی‌فایده وادارد. اگر انسان، در حد اطمینان یا ظن قوی به درستی مصداقی خاص پی برد؛ سپس نوبت به ارزش گذاری اعمال می‌رسد. در این مرحله، انسان با در نظر گرفتن هدف شناخته شده، درستی و نادرستی کارهای خویش را معین می‌کند، و سعی می‌کند به طور عاقلانه و با پرهیز از افراط و تفریط، باید و نبایدهایی را برای خود ترسیم نماید تا بدین وسیله مسیر درستی را برای نیل به هدف و کسب مصداق شناخته شده خود بییابد. همزمان با ارزش گذاری اعمال و عمل به بایدها و نبایدها، تمایلات

غریزی، انسان را دچار کشمکش‌های درونی می‌کند، زیرا از یک سو، انسان در صدد است تا براساس بایدها و نبایدهایی که تشخیص داده نظم خاصی به رفتارهای خود داده و کارهایی را انجام و برخی دیگر را ترک کند و به خواهش‌های طبیعی و غریزی مطابق با شرایط کنونی، توجه کند و از سوی دیگر، تمایلات غریزی خصوصاً وقتی که با پاسخ‌های گوناگون محیطی مورد تقویت و تأیید قرار می‌گیرند، هیچ حدی را بر نمی‌تابند و انسان را تا حدّ اشباع دعوت به ارضاء می‌کنند. در حقیقت انسان با دو دغدغه عمده مواجه می‌شود؛ یکی مصلحت‌دستیابی به هدفی شناخته شده و لزوم پیمودن مسیری درست برای دستیابی کامل و بی‌عیب و نقص به آن هدف و دیگری دعوت‌های سیری ناپذیر غرایز و نیازهای طبیعی. این کشمکش درونی، علاوه بر اینکه ممکن است انسان را در تشخیص درست بایدها و نبایدها و ارزش‌گذاری صحیح اعمال، دچار تردید و خطا نماید و او را از توجه همه‌جانبه به ابعاد مختلف هدف باز دارد؛ بلکه می‌تواند در مقام عمل وی را مجبور به عقب‌نشینی کرده و از ادامه راه مأیوس و منصرف سازد. فرض کنید، دانش آموز مورد مثال که در صدد ترسیم آینده‌اش بود، بر اساس تحقیقات و مشورت با دیگران، فهمید که مصداق زندگی مطلوب و آرمانی او، کسب مدارج عالی علمی است، این جوان در پی چنین شناختی، تلاش می‌کند که بایدها و نبایدهای خاصی را ترسیم نموده و میزان درستی و نادرستی رفتارهای خویش را تعیین کند. وی به طور عمده با سه مشکل اساسی مواجه است؛ نخست آنکه چون صحت این هدف را نه با تکیه بر بدیهیات عقلی، بلکه با بهره‌گیری از اطلاعات پیرامون خود کسب کرده است، نمی‌تواند به طور حتم، اذعان به صحت آن نماید و همین امر ممکن است عاملی برای تردید و ضعف‌انگیزه در وی شود. دوم آنکه، تشخیص صحیح راه و پرهیز از افراط و تفریط در هنگام تعیین بایدها و نبایدها و ارزش‌گذاری اعمال است. و مشکل اساسی سوم، اینکه چون اطاعت از این بایدها و نبایدها با طبیعت جوانی او چندان سازگار نیست؛ در عمل با موانع و مشکلاتی خصوصاً وقتی که محیط پاسخ‌های گوناگونی برای تمایلات غریزی او فراهم نموده است روبه‌رو می‌شود. با این توضیحات روشن می‌شود که انسان در تعیین هدف و رسیدن به آن از سه جهت، دچار نقص و محدودیت بوده و احتمال لغزش در او وجود دارد: ۱ - محدودیت در تشخیص صحیح و درست مصادیق امور مطلوب و عدم اطمینان از کسب شناختی بی‌عیب و نقص. ۲ - محدودیت در تشخیص بایدها و نبایدها و تعیین صحیح میزان مطلوبیت افعال در سنجش با هدف. ۳ - محدودیت و لغزش در فائق آمدن بر کشش‌های غریزی که انسان را وادار به خروج از چارچوب بایدها و نبایدهایی می‌کند که برای اعمال خود ترسیم کرده است. حال انسان واقع‌نگر وقتی خود را برای دستیابی به اهداف عادی زندگی، نظیر آنچه که در مثال فوق مطرح کردیم، این‌گونه مواجه با موانع و مشکلات جدی می‌بیند؛ در مورد هدف نهایی - که به خاطر آن آفریده شده و رسیدن به آن را مهم‌ترین دغدغه خود می‌داند - به طور حتم این نگرانی را دارد که اولاً چگونه قادر خواهد بود که آن هدف اصلی را به نحو شایسته و صحیح بشناسد و ثانیاً در رسیدن به آن، بهترین و امن‌ترین راه را انتخاب و با صلابت به سمت آن حرکت نموده و موانع غریزی و محیطی را از پیش رو بردارد؟ این در حالی است که با اتکا به فهم خود یا تجارب افرادی نظیر خود، نه می‌تواند مصداق آن هدف متعالی را به طور دقیق تعیین کند و نه می‌تواند مسیر رسیدن به آن را به دقت معین نماید و نه می‌تواند کشش‌های غریزی خود را به نحوی که لازم است، کنترل کند. لذا در نظر انسان واقع‌نگر، خداوند که انسان را برای غایتی مهم - که جز سعادت حقیقی نیست - آفریده و از چپستی آن آگاه است؛ اگر او را از یک سو در شناخت حقیقی هدف، راهنمایی نکرده و به حال خود رها کند و از سوی دیگر در مقام عمل و تعیین درستی و نادرستی کارها و تشخیص بایدها و نبایدهایی که می‌تواند انسان را به آن مقصد حقیقی رهنمون شوند، توصیه‌هایی در اختیار او قرار ندهد و در مورد مضرات توجه بی‌حدّ و اندازه به گرایش‌های غریزی و نحوه ارضاء صحیح آنها او را آگاه نکند؛ آفرینش خداوند کاری لغو و عبث خواهد بود. اما عقل حکم می‌کند که آفریدگار انسان - که به یقین حکیم مطلق است و عاری از هر گونه «جهل، ترس، بخل و ضعف» است و بر تمام ضعف‌ها و نقص‌های انسان در راه‌یابی به سعادت واقعی واقف است و می‌تواند او را در نیل به خوشبختی پایدار، دست‌گیری نماید - به طور حتم او را هم در پی بردن به مصداق حقیقی

سعادت، دست گیری می‌کند و هم در فهم بایدها و نبایدهایی که انسان را به سعادت می‌رساند، هدایت نموده و در کنترل و فائق آمدن بر گرایش‌های غریزی که گاه بواسطه پاسخ‌های محیطی به شدت مورد تقویت می‌باشند؛ او را راهنمایی می‌نماید. بدین ترتیب عقل ضروری می‌داند که از ناحیه خداوند، مجموعه‌ای از معارف که در بردارنده این شناخت‌ها بوده باشد، در اختیار انسان قرار گیرد. یعنی عقل فرستادن مجموعه‌ای به نام «دین» را از ناحیه خداوند ضروری می‌داند.

برهان پنجم

اثبات ضرورت دین بر اساس تکامل اختیاری انسان در این برهان توجه به مقدمات سه گانه زیر ضروری است: مقدمه اول: هر موجودی در مسیری خاص، در حال تکامل است و انسان نیز مسیر ویژه‌ای برای تکامل دارد. مقدمه دوم: طی مسیر تکاملی در انسان به صورت غریزی، مانند دیگر جانداران نیست بلکه به واسطه افعال اختیاری او می‌باشد. مقدمه سوم: طی مسیر تکاملی از روی اختیار، منوط به شناخت دقیق مسیر است و شناخت‌های عادی و متعارف انسان که از همکاری حس و عقل حاصل می‌شود؛ برای تعیین صحیح مسیر تکامل، کافی نیست؛ چرا که به حکم عقل حصول چنین شناختی در گرو داشتن ویژگی‌های زیر می‌باشد: ۱- اشراف کامل بر ویژگی‌های انسان اعم از روحی و جسمی. ۲- اشراف کامل بر شرایط حیات اجتماعی انسان و نحوه صحیح رابطه با هم‌نوعان. ۳- توان تنظیم صحیح رابطه انسان با خود و طبیعت پیرامون و آفریدگار عالم و آگاهی از چگونگی تأثیرات این روابط، بر سیر تکاملی انسان. ۴- آگاهی از مصلحت‌های واقعی انسان و توان تشخیص مصلحت مهم‌تر در مواقع تراحم مصلحت‌ها. در مورد ویژگی چهارم گفتنی است که چون مسیر تکامل انسان داری مقطعی است و درنگ در هر یک از این مقاطع و بهره‌مندی از آنها به مقداری که انسان را از ادامه سفر و رسیدن به مراتب بالاتر باز ندارد، به مصلحت انسان است؛ و از آنجا که انسان به کل مسیر، اشراف کامل نداشته و نمی‌تواند میزان صحیح و واقعی این مصلحت‌ها را تشخیص داده و به مصلحت اهم، در مواقع تراحم مصلحت‌ها به طور کامل واقف شود؛ لازم است: اولاً- برای او، میزان مصلحت هر یک از مقاطع سفر روشن شود و ثانیاً در مواقع تردید و تراحم مصلحت‌ها، از مصلحت اقوی و مهم‌تر با خبر گردد. به عبارتی دیگر انسان در سیر تکاملی خود می‌بایست، گام به گام، پله‌های ترقی را طی کند و در هر یک از مراحل پیشرفت و ترقی، لازم است که توشه لازم را برای رسیدن به مراحل بعدی اخذ نماید، بدین منظور در ابتدا باید از میزان توشه‌ای که باید در هر مرحله اندوخته و خود را برای صعود به مرحله بعدی آماده کند، آگاهی بیابد، و ثانیاً به گونه‌ای از مصلحت و چگونگی مراحل بعدی آگاه شود که مصلحت و بهره‌نقد و کافی در هر مرحله، او را از توجه به مصلحت‌ها و بهره‌های مراحل بعدی غافل نسازد. بنابراین، برای شناخت دقیق مسیر تکامل، احراز چهار شرط اساسی لازم و ضروری است. اما به طور مسلم، انسان قادر نیست که مجموع این شرایط را از طریق ابزارهای معرفتی خود، یعنی حس و عقل دریابد. انسان قادر نیست که بر ویژگی‌های روحی و جسمی خویش به طور کامل اشراف داشته باشد. انسان قادر نیست که بر نحوه صحیح رابطه خویش با هم‌نوعان اشراف کامل پیدا کند. انسان هرگز قادر نیست تنظیمی صحیح و رابطه‌ای درست، نسبت به خود و طبیعت پیرامون و آفریدگار عالم ایجاد نماید و توان آگاهی از چگونگی تأثیرات این روابط بر سیر تکاملی خود را ندارد. انسان قدرت شناخت کامل بر کل مسیر تکامل را نداشته و میزان مصلحت و بهره هر یک از مقاطع را به درستی نمی‌تواند تعیین کند. از این رو مقتضای حکمت خداوند آن است که راه دیگری و رای حس و عقل برای شناخت همه جانبه ویژگی‌ها و شرایط مسیر تکامل انسان، در اختیار بشر قرار دهد و از آن طریق وی را در این امر مهم یاری نماید. و آن همان راه وحی است که در اختیار انبیاء علیهم السلام می‌باشد. بدین ترتیب، لزوم ارسال انبیاء که آنان با بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی و در قالب مجموعه‌ای از معارف (دین)، هدایت‌گر بشر در رسیدن به تکامل واقعی می‌باشند استنباط می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. فطرت حقیقت‌جوی انسان همواره در جست و جوی پاسخی عالمانه و دقیق در مورد حقیقتِ «انسان»، «مبدأ»، «وظایف» و «فرجام» خویش است و آشنایی درست با این حقایق از نیازهای فطری و ضروری انسان می‌باشد، اما پاسخ‌های ناشی از فهم محدود انسان نارسا و ناتمام است و هرگز نمی‌تواند فطرت حقیقت‌جوی انسان را قانع کند. البته این نیاز فطری در مورد انسان‌هایی است که میل به حقیقت را در وجود خویش از بین نبرده، و خود را موجود اندیشمندی می‌دانند که هر لحظه در برابر انواع خواهش‌های درونی و مطالبات بیرونی، می‌خواهند بهترین و درست‌ترین را انتخاب کنند و می‌کوشند با یافتن حقایق، موضع‌گیری‌ها و انتخاب‌های خود را با صحیح‌ترین معیارها منطبق نمایند. در وجود چنین انسان‌هایی، گرایش به حقیقت خاموش نیست و دایم آنان را در تکاپوی کشف حقایق برمی‌انگیزاند و تا یافتن پاسخی قانع‌کننده، آرام و قرار نمی‌گیرد. ۲. دو ویژگی انسان یعنی هستی‌گرایی و طلب‌هدفی ارزنده که امید به آن تحمل سختی‌ها و مرارت‌های زندگی را برای انسان سهل و گوارا نماید، و تهی بودن حیات دنیوی از پاسخی شایسته به این دو نیاز اساسی، هر انسان واقع‌نگری را به وجود حیاتی دیگر واقف می‌سازد. حیاتی که از یک سو به جهت ابدی و جاودانه بودنش ظرف مناسبی برای پاسخ به هستی‌طلبی و میل به بقاء انسان می‌باشد و از سوی دیگر به جهت پاداش‌های ارزنده‌اش، سزاوار دلبستگی انسان بوده و امید دست‌یابی به آن آرامش حقیقی را برای او به ارمغان می‌آورد. انسان واقع بین با چنین باوری، با تمام وجود می‌خواهد آن وادی را بشناسد، با شرایط و ویژگی‌های آن آشنا شود و بداند که برای دست‌یابی به آرامش واقعی و پاداش‌های گران‌سنگ آن چه باید کرد. اما انسان هرگز با اتکا به فهم و عقل محدود خویش از چگونگی چنین حیاتی نمی‌تواند مطلع شود. ۳. انسان موجودی است اجتماعی، اما نه تنها در تشخیص مصالح اجتماعی از هر گونه آگاهی غریزی بی‌بهره است و به طور غریزی مطیع هیچ قانون اجتماعی نیست، بلکه اگر هم با اتکا به فهم و اندیشه محدود خویش و با استناد به تجارب گذشته‌اش قوانینی را برای سامان دادن به زندگی اجتماعی خود تدوین نماید به جهت دو ویژگی «حب ذات» و «استخدام طلبی» تضمینی در عمل نمودن به قوانین و مصالح اجتماعی که خود تدوین کرده است نخواهد داشت و به طور طبیعی در مواقع تزاخم مصالح فردی با مصلحت‌های اجتماعی، آنچه در ابتداء مطلوبش واقع خواهد شد، منافع و مصالح فردی بوده و آنها را بر مصالح جمعی مقدم خواهد نمود. بدین ترتیب، انسان برای سامان دادن به زندگی اجتماعی مطلوب لازم می‌داند که عاملی بیرونی او را مدد رساننده و چارچوب‌ها و خط‌مشی‌های صحیح و اصولی را برای حیات اجتماعی انسان ترسیم نماید. به حکم عقل، این عامل بیرونی باید دارای ویژگی‌های خاصی باشد، از قبیل: «شناخت کامل انسان»، «تشخیص نحوه صحیح روابط انسان با دیگر موجودات و تأثیر این روابط در حیات اجتماعی او»، «عدم لحاظ کمترین منافع فردی در تدوین قوانین»، «اطلاع از حوادث آینده دور یا نزدیک تا قوانین به طور کامل تدوین یافته و انسان در برابر حوادث آینده آماده و مهیا گردد» و «توانایی ایجاد ضمانت اجرایی نیرومند». واقعیت آن است که آحاد بشر، از ابتدای خلقت تا انتهای آفرینش، با اتکا به ابزارهای معرفتی خویش یارای درک این معارف و تحصیل چنین علوم فراگیر و نیز تربیت افرادی با انگیزه‌ای درونی برای اطاعت از فرامین و مصالح اجتماعی را نخواهند داشت. ۴. انسان به طور معمول در تعیین اهداف زندگی و رسیدن به آنها از سه جهت دچار نقص و محدودیت بوده و احتمال لغزش در او وجود دارد: الف) در تشخیص صحیح و درست مصادیق امور مطلوب و اطمینان از کسب شناختی بی‌عیب و نقص. ب) در تشخیص بایدها و نبایدها و تعیین میزان مطلوبیت کارها در سنجش با هدف. ج) در فایق آمدن بر کشش‌های غریزی که انسان را به خروج از چارچوب بایدها و نبایدهایی وامی‌دارد که برای رسیدن به اهداف شناخته شده بر اعمال خود ترسیم کرده است. این محدودیت‌ها برای انسان واقع‌نگر، در مورد هدف نهایی که به خاطر آن آفریده شده و رسیدن به آن مهم‌ترین دغدغه اوست به طور حتم این نگرانی را ایجاد می‌کند که اولاً چگونه قادر خواهد بود با درک محدود و خطاپذیرش، هدف نهایی را به نحو شایسته و صحیح بشناسد و ثانیاً در رسیدن به آن، بهترین و امن‌ترین راه را انتخاب و با تعیین بایدها و نبایدهای صحیح بر اعمال خود با صلابت به

سمت هدف حرکت نموده و موانع غریزی و محیطی را از پیش رو بردارد؟ ۵. طی مسیر تکاملی در انسان به صورت غریزی، مانند دیگر جانداران نیست بلکه به واسطه افعال اختیاری او می‌باشد، و طی مسیر تکاملی از روی اختیار، منوط به شناخت دقیق مسیر است. اما شناخت‌های عادی و متعارف انسان که از همکاری (حس و عقل) حاصل می‌شود؛ برای تعیین صحیح مسیر تکامل کافی نیست؛ زیرا به حکم عقل حصول چنین شناختی در گرو شرایطی است، از قبیل: «اشراف کامل بر ویژگی‌های انسان اعم از روحی و جسمی»، «اشراف کامل بر لوازم حیات اجتماعی انسان و نحوه صحیح رابطه با هموعان»، «توان تنظیم صحیح رابطه انسان با خود و طبیعت پیرامون و آفریدگار عالم و آگاهی از تأثیرات این روابط، بر سیر تکاملی انسان» و «آگاهی از مصلحت‌های واقعی انسان و توان تشخیص مصلحت مهم‌تر در مواقع تراحم مصالح» به طور مسلم، انسان قادر نیست که مجموع این شرایط را از طریق ابزارهای معرفتی خود، یعنی حس و عقل در یابد. حال با توجه به موارد پنج‌گانه فوق، که هر یک به نوعی درصدد بازنمایی نارسایی ابزارهای معرفتی (حس و عقل) در ابعاد مختلف می‌باشند؛ ثابت می‌شود که «دین» به عنوان مجموعه معارفی از سوی خداوند، که در بردارنده رهنمودها و راهکارهای مطمئن و خطاناپذیر برای تکمیل و جبران نقایص معرفتی بشر می‌باشد جایگاهی بی‌بدیل و جایگزین ناپذیر داشته و کنار نهادن آموزه‌های آن از عرصه‌های فردی و اجتماعی انسان، اندیشه‌ای باطل و بی‌اساس می‌باشد، و نمی‌توان ادعا کرد که به هر میزان متفکران و اندیشمندان در سایه رشد علمی و عقلی به نیازهای بشر پاسخ داده و مشکلات او را از طریق راه حل‌های روان شناختی و جامعه شناختی حل می‌کنند، عرصه دین تنگ‌تر و محدودتر می‌شود. بنابر این نمی‌توان دورانی فرض کرد که راهکارهای دینی در زمینه‌های مختلف، متروک و شیوه‌های بشری جایگزین آن شده و انسان مستقل از هدایت‌های فرا بشری، امور خود را تدبیر کند. بلکه شیوه‌ها و راه کارهای ارزنده بشری که محصول تجارب گذشته و پیشرفت علوم و فنون در زمینه‌های مختلف می‌باشد لازم است در چارچوب دستورات دینی و با حفظ حریم الهی، یاری‌گر انسان در پیمودن مسیر سعادت و رستگاری واقعی بوده باشد.

فهرست کتاب‌های انتشارات مسجد مقدس جمکران

دعا و نیایش و نماز نام کتاب قیمت آداب و اعمال زیارتگاه در سوریه ۷۰۰۰ ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام ۲۰۰۰ ارتباط با خدا ۶۵۰۰ از خدا چه بخواهیم ۵۰۰۰ اهمیت اذان و اقامه ۶۰۰۰ اهمیت نماز جمعه و آداب آن از دیدگاه امام علی علیه السلام ۳۰۰۰ ترجمه حدیث عنوان بصری ۱۰۰۰ ختم سوره‌های یس و واقعه ۵۰۰۰ دستوراتی از قرآن ۲۸۰۰۰ ربیع الاسابع ۲۵۰۰۰ زیارت ناحیه مقدسه ۴۵۰۰ فضیلت خواندن سوره‌های قرآن (مشکاة الانوار) ۱۵۰۰۰ گنجینه نور و برکت ۴۵۰۰ نماز شب ۱۰۰۰ هدیه احمدیه ۱۲۰۰ هدیه احمدیه ۳۵۰۰ تاریخ مسجد مقدس جمکران نام کتاب قیمت آئینه اسرار حدیث بنای مسجد مقدس جمکران ۶۰۰۰ تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی) ۵۰۰۰ تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی) ۲۵۰۰ مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام ۱۵۰۰۰ پیامبر صلی الله علیه و آله نام کتاب قیمت اوصاف الرسول (اسامی و القاب) ۱۶۰۰۰ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ترورسم و خشنونت طلبی ۲۵۰۰ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جهاد و برده‌داری ۲۰۰۰ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق اقلیت‌ها و ارتداد ۳۰۰۰ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق زن ۴۵۰۰ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و صلح طلبی ۲۵۰۰ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم (دو جلد) ۶۵۰۰۰ چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۴۵۰۰ حکومت بر دل‌ها اولین و آخرین خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله ۶۰۰۰ راه و رسم زندگی در کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۵۰۰۰ روزشمار تاریخ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۱۰۰۰۰ محمد رسول الله ۴۰۰۰ امام علی و حضرت زهرا علیهما السلام نام کتاب قیمت امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام ۱۵۰۰۰ با اولین امام در آخرین پیام ۳۵۰۰ تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام (دو جلد) ۹۰۰۰۰ علی علیه السلام مروارید ولایت ۲۵۰۰ حکومت و رهبری از منظر نهج البلاغه ۱۰۰۰۰ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام

۱۳۰۰۰ مام فضیلت‌ها ۳۰۰۰۰ امام حسین علیه السلام نام کتاب قیمت از زلال ولایت ۱۶۰۰۰ تاریخ سید الشهداء علیه السلام ۵۵۰۰۰ حکمت‌های جاوید ۱۳۰۰۰ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) ۴۸۰۰۰ در کربلا- چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) ۵۸۰۰۰ دلشده در حسرت دیدار دوست ۳۵۰۰ رسول ترک (آزادشده امام حسین علیه السلام) ۱۲۰۰۰ سبحانه رحمت ۶۳۰۰۰ عاشورا تجلی دوستی و دشمنی ۲۲۰۰۰ منشور نینوا ۴۸۰۰۰ نهج الکرامه ۲۰۰۰۰ یاران باوفا و شهیدان بی‌همتا ۳۵۰۰ اهل بیت علیهم السلام نام کتاب قیمت آخرین خورشید پیدا ۶۵۰۰ امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان ۸۵۰۰ پرچمدار نینوا ۱۶۰۰۰ پیشوایان معصوم (زندگینامه چهارده معصوم) ۴۵۰۰۰ دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب‌های پیشاور) ۱۰۰۰۰ شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعه) ۵۸۰۰۰ عمه سادات ۶۵۰۰ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) ۴۵۰۰ ماه مدینه ۴۰۰۰ ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام ۲۵۰۰۰ امام مهدی علیه السلام نام کتاب قیمت آخرین پناه ۶۰۰۰ آن آشنا آمد ۳۰۰۰ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) ۱۵۰۰۰ ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام ۱۵۰۰۰ امامت، غیبت، ظهور ۶۵۰۰ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام ۵۰۰۰ امام مهدی در کلام امام علی علیهما السلام (چهل حدیث) ۲۰۰۰ امید آخر ۵۰۰۰ انتظار از دیدگاه روایات اهل بیت علیهم السلام ۱۳۰۰۰ انتظار بهار و باران ۳۰۰۰ انتظار چیست؟ منتظر کیست؟ ۴۰۰۰ انتظار و انسان معاصر ۴۰۰۰ اوصاف المهدی (اسامی و القاب) ۱۵۰۰۰ اولین‌های مهدویت ۴۵۰۰ او هر جا که هست مرا دوست دارد ۳۰۰۰ بامداد بشریت ۱۱۰۰۰ پایان انتظار ۵۵۰۰ پرچم هدایت ۱۳۰۰۰ تشریف یافتگان (دفتر اول) ۷۵۰۰ تشریف یافتگان (دفتر دوم) ۹۰۰۰ تشریف یافتگان (دفتر سوم) ۷۰۰۰ تشریف یافتگان (دفتر چهارم) ۷۰۰۰ تکالیف بندگان نسبت به امام زمان علیه السلام ۲۴۰۰۰ ترجمه کتاب الغیبه شیخ طوسی ۵۸۰۰۰ تمنای وصال ۳۵۰۰ جزیره خوشبختی ۳۰۰۰ جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام ۹۵۰۰ چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام ۶۰۰۰ چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم؟ ۶۰۰۰ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت ۲۱۰۰۰ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) ۱۲۰۰۰ خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار) ۱۶۰۰۰ دارالسلام ۳۵۰۰۰ داستان‌هایی از امام زمان علیه السلام ۲۰۰۰۰ داغ شقایق (مجموعه اشعار) ۸۵۰۰ در آسمان عشق ۳۵۰۰ در جستجوی نور ۴۵۰۰ ذخیره خدا ۲۵۰۰ ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور ۲۴۰۰۰ زمان و مکان دعا برای حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام ۹۰۰۰ سخنرانی مراجع در مسجد جمکران ۴۰۰۰ سرود سرخ انار ۵۰۰۰ سقا خود تشنه دیدار ۲۰۰۰ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی ۱۵۵۰۰ سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام ۹۵۰۰۰ سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی ۱۸۵۰۰ شرح چهل حدیث حضرت مهدی علیه السلام ۷۰۰۰ شناخت حقوق و مراحم حضرت مهدی علیه السلام ۵۰۰۰ صبح فرا می‌رسد ۶۰۰۰ صفای دل ۶۵۰۰ ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه ادیان ۳۸۰۰۰ العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان ۴۲۰۰۰ عریضه نویسی ۸۰۰۰ عطر سبب ۳۵۰۰ عطر یاس ۷۵۰۰ علی علیه السلام و پایان تاریخ ۱۱۰۰۰ فریادرس ۵۵۰۰ فوز اکبر ۹۰۰۰ کرامات المهدی علیه السلام ۵۵۰۰ کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام ۱۰۰۰۰ کلمات قصار امام زمان علیه السلام ۹۰۰۰ کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) ۱۰۰۰۰۰ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) ۳۰۰۰۰ گفتمان مهدویت ۱۵۰۰۰ گوهرهای ناب در کلام امام زمان علیه السلام ۲۸۰۰۰ مسافر گمشده ۲۰۰۰ مفرد مذکر غائب (نمایشنامه) ۵۰۰۰ مکیال المکارم (دو جلد) ۷۲۰۰۰ منجی موعود از منظر نهج البلاغه ۴۰۰۰ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات ۱۰۰۰۰ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی ۱۸۰۰۰ مهدی موعود در کلام پیامبر محمود ۵۰۰۰ مهدی موعود علیه السلام (دو جلد) ۱۲۰۰۰۰ مهربان‌تر از مادر ۵۰۰۰ مهر بیکران ۹۰۰۰ میثاق منتظران «۱» شرح زیارت آل یاسین ۸۰۰۰ میثاق منتظران «۲» شرح زیارت آل یاسین ۱۰۰۰۰ ناپیدا ولی با ما (فارسی) ویژه دانش‌آموزان ۳۰۰۰ نامه‌های جوانان به امام زمان علیه السلام ۶۰۰۰ نامه‌های دختران به امام زمان علیه السلام ۶۰۰۰ نامه‌های نوجوانان به امام زمان علیه السلام ۵۰۰۰ نتیجه دعا برای فرج حضرت مهدی علیه السلام ۱۷۰۰۰ نجم الثاقب (دو جلدی) ۷۵۰۰۰ نشانه‌های ظهور او ۱۶۰۰۰ نشانه‌های یار و چکامه انتظار ۶۰۰۰ نشانه‌هایی از مهدی علیه السلام ۱۰۰۰۰ نیاز جهان به امام زمان علیه السلام ۵۰۰۰ و آن که دیرتر آمد ۴۵۰۰ وظایف منتظران ۲۵۰۰

وعده دیدار ۶۰۰۰ ویژگی‌های امام زمان علیه السلام ۲۸۰۰۰ هزار و یک نکته پیرامون امام زمان علیه السلام ۴۵۰۰۰ همراه با مهدی منتظر ۹۰۰۰ یا ابوالصالح ۲۰۰۰ یاد مهدی علیه السلام ۲۲۰۰۰ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) ۳۰۰۰۰ پاسخ به شبهات نام کتاب قیمت اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات ۴۵۰۰۰ امام‌شناسی و پاسخ به شبهات (قرآن) ۴۸۰۰۰ امام‌شناسی و پاسخ به شبهات (حدیث) ۵۵۰۰۰ دفاع از تشیع و پاسخ به شبهات ۳۰۰۰۰ سلفی‌گری (وها بیت) و پاسخ به شبهات ۵۰۰۰۰ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات ۲۰۰۰۰ مرجعیت دینی اهل بیت علیهم السلام و پاسخ به شبهات ۴۱۰۰۰ موعودشناسی و پاسخ به شبهات ۴۷۰۰۰ نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات ۲۰۰۰۰ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات ۲۲۵۰۰ اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت ۱۱۰۰۰ سلسله مباحث مهدویت نام کتاب قیمت اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام ۳۰۰۰ امامت در سنین کودکی ۳۰۰۰ امامت و غیبت ۵۰۰۰ بررسی دعای ندبه ۳۵۰۰ تولد حضرت مهدی علیه السلام ۷۰۰۰ حکومت حضرت مهدی علیه السلام ۴۰۰۰ دفاع از مهدویت ۶۵۰۰ دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر ۵۰۰۰ علایم ظهور ۶۰۰۰ غیبت صغری ۵۰۰۰ غیبت کبری ۷۵۰۰ فلسفه حکومت عدل جهانی ۳۵۰۰ قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۵۰۰۰ منجی از دیدگاه ادیان ۶۵۰۰ مهدویت و جهانی‌سازی ۳۵۰۰ نظریه پردازی درباره آینده جهان ۷۰۰۰ وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث ۵۰۰۰ وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل ۶۰۰۰ وظایف ما در عصر غیبت ۶۵۰۰ هنگامه ظهور ۵۰۰۰ سلسله مباحث شناخت و هابیت نام کتاب قیمت ابن تیمیه، مؤسس افکار و هابیت ۱۲۰۰۰ برپایی مراسم جشن و عزا ۷۵۰۰ توسل از دیدگاه وهابیان ۲۵۰۰ خدا از دیدگاه وهابیان ۵۰۰۰ زیارت قبور از دیدگاه وهابیان ۱۱۰۰۰ شناخت سلفی‌ها (وها بیان) ۷۵۰۰ فتنه و هابیت ۳۰۰۰ مبانی اعتقادی وهابیان ۱۲۰۰۰ موارد شرک از دیدگاه وهابیان ۷۵۰۰ کودکان نام کتاب قیمت آشنایی با چهارده معصوم (۱ و ۲) ۸۰۰۰ آموزش وضو و نماز (کودکان/مصور) ۶۵۰۰ بهتر از بهار ۴۰۰۰ مجموعه زندگی چهارده معصوم (محمدصلی الله علیه و آله) ۷۰۰۰ مجموعه زندگی چهارده معصوم (امام علی علیه السلام) ۷۰۰۰ مجموعه زندگی چهارده معصوم (حضرت زهرا علیها السلام) ۷۰۰۰ مجموعه زندگی چهارده معصوم (امام حسن علیه السلام) ۶۵۰۰ مجموعه زندگی چهارده معصوم (امام حسین علیه السلام) ۶۵۰۰ اخلاقی، تربیتی نام کتاب قیمت آثار گناه در زندگی و راه جبران ۲۰۰۰۰ اخلاق عملی ۲۰۰۰۰ حلیه المتقین ۴۰۰۰۰ درس‌هایی از طبیعت ۶۰۰۰ عبرت‌های ماندگار ۹۰۰۰ فرهنگ اخلاق ۳۸۰۰۰ فرهنگ تربیت ۳۰۰۰۰ فرهنگ صفات ۵۰۰۰۰ قصه‌های تربیتی ۹۰۰۰ مبانی تربیت و شاخصه‌های مهم در برنامه‌ریزی مدارس ۵۰۰۰ معلم محبوب شرایط مقبول مدرسه مطلوب ۴۰۰۰ شرح حال نام کتاب قیمت آقا شیخ مرتضای زاهد ۱۵۰۰۰ بدر مشعشع در احوال موسی مبرقع ۴۰۰۰ تولدی نو (نقد مسیحیت) ۱۴۰۰۰ روزنه‌هایی از عالم غیب ۲۵۰۰۰ سیاحت غرب ۱۰۰۰۰ کتاب‌های دیگر نام کتاب قیمت اسرار مناسک حج ۱۲۰۰۰ دین و آزادی ۲۲۰۰۰ رجعت یا حیات دوباره ۱۵۰۰۰ عالم ذر ۱۵۰۰۰ فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها ۳۰۰۰۰ مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر ۵۰۰۰ منازل الآخرة (زندگی پس از مرگ) ۱۵۰۰۰ کتاب‌های این انتشارات بدون هزینه پستی به آدرس شما ارسال می‌گردد. قم - مسجد مقدس جمکران: صندوق پستی: ۶۱۷ تلفن: ۷۲۵۳۷۰۰ نامبر: ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ شماره حساب: بانک ملت، قم شعبه جمکران، کد ۵/۸۷۸۵، جاری ۳/۵۰۰ بانک رفاه کارگران، قم شعبه آذر، کد ۸۲۲، جاری ۳۰۰۹۳۹

پی نوشتها

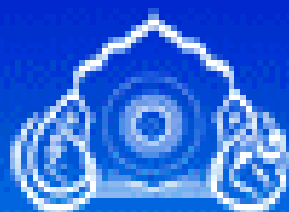
(۱) نهج البلاغه، خطبه هشتاد و هفتم (۲) الحر العامله، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و

جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد

بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

